



کودک، مربی، فطرت و تربیت

کلیدواژه‌ها: فطرت‌گرایی توحیدی، هدف‌گزاری، تربیت دینی.

در نظام تعلیم و تربیت انسانی پیش‌بینی شده است. ما باید با نگاه فطرت‌گرایی توحیدی به آن اهداف برسیم.

وقتی از تربیت دینی سخن می‌گوییم، بلافاصله ذهن ما به سمت معنای خاص تربیت دینی متوجه می‌شود و این رهزنی است که باید از آن مراقبت کرد. زیرا اگر تلقی ما از تربیت دینی به طور جامع شکل نگیرد، آسیب‌زا خواهد بود. با توجه به روایات، دوره پیش‌دبستانی و این هفت سال اول زندگی کودک را به دوره سیادت او تعبیر کرده‌اند. در نتیجه کار شما بسیار سخت است.

گاهی تصور می‌شود که سیادت بچه‌ها در این دوره به این معناست که ما تابع آن‌ها باشیم و آن‌چه را که آن‌ها می‌خواهند، برایشان فراهم آوریم و از آن‌ها تبعیت کنیم. ولی تحلیل عمیقی نسبت به این موضوع هست که محققان روی آن تأکید دارند. آن‌ها می‌گویند: معنای سیادت این نیست، بلکه معنای دوره سیادت این است که باید روش‌ها را به گونه‌ای طراحی کنیم که با جایگاهی که مخاطب و مربی دارد، سازگار باشد.

اهداف تربیتی را نباید کاملاً به میل و اراده مخاطب و مربی وابگذاریم؛ این وانهادن تربیت است. تربیت فرایندی است که ما را از نقطه موجود به نقطه مطلوب می‌رساند. پس ما باید نقطه مطلوب را کشف و آن را دنبال کنیم. البته با توجه به این که مربی ما در شرایطی از رشد یادگیری و شرایط روان‌شناختی است که احساس سیادت می‌کند. انتظار دارد ما آن‌چه را که او می‌خواهد، دنبال کنیم. پس باید خودمان را با این انتظار هماهنگ کنیم. همین امر این دوره را بسیار پیچیده می‌کند. وقتی می‌گوییم دوره تجویزی نیست، یعنی تربیتی نیست که بتواند اهدافی را تحقق بخشد که برای تربیت انسان

اگر ما نظریه فطرت را در اسلام درک نکنیم، انسان‌شناسی اسلام را درک نکرده‌ایم. اگر انسان‌شناسی اسلام را درک نکنیم، سایر اضلاع اسلام برای ما آشکار نخواهند شد. چون در اسلام معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی بر محور انسان‌شناسی می‌چرخند. یعنی انسان است که باید خدا را بشناسد و تعامل درستی با جهان خلقت برقرار کند. کمال انسان است که هدف از خلقت را رقم زده است. اگر انسان شناخته نشود، هیچ‌یک از این گزاره‌ها برای ما معنای روشنی نخواهند داشت.

رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی مبنای نظری تعلیم و تربیت در اسلام است و در جهت‌گیری‌ها به ما کمک می‌کند. رویکرد یعنی رویی که سمت ما به آن است. نظام جامعی که می‌تواند انسان را روی پای خود استوار کند، این است که شما به سمت خدا جهت‌گیری داشته باشید و فطرت الهی را بیابید. اقتضائات آن را بدانید و به آن ملتزم باشید. نگاه فطرت‌گرایی توحیدی مخاطب ما را از تلقی شیء و کالا بالاتر می‌آورد. در یک نگاه بالاتر از شیء و کالا، ممکن است دیدگاه مربی ما این باشد که کودک مراقبت بیشتری می‌خواهد. این از نگاه اول بالاتر است، ولی کافی نیست. ممکن است یک پله بالاتر بیاید و کودک را امانت تلقی کند. ولی بالاتر از آن، کودک فقط امانت پدر و مادر نیست، بلکه می‌خواهد به عنوان یک شهروند مطلوب یا عضو مطلوب جامعه اسلامی تربیت شود. پس کودک امانتی از طرف کل جامعه به مربی است.

در نگاه فطرت‌گرایی توحیدی، این

دیدگاه فراتر می‌رود و مخاطب و مربی امانت الهی می‌شود. در این زمینه روی آیه ۷۲ سوره احزاب تأمل کنید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». ما امانت را عرضه کردیم به آسمان، زمین، کوه‌ها و همه قدرت و عظمتی که این مجموعه دارد. این‌ها نپذیرفتند و ترسیدند که بپذیرند، ولی انسان این امانت را پذیرفت.

ما متریبان را چه قدر می‌شناسیم؟ در هدف‌گذاری چه عناصری برای ما مطلوب هستند؟ ما در امر تربیت، به معنای واقعی هدف‌گذاری نمی‌کنیم، هدف‌شناسی می‌کنیم. ما جعل هدف نمی‌کنیم که بگوییم هدف باید این باشد، ما کشف هدف می‌کنیم. کشف از چه منبعی باید حاصل شود؟ آیا جز پیامبران الهی که نگاه متعالی به انسان را برای ما رقم زدند، می‌توانند در این کشف به ما کمک کنند؟

«قرآن کریم» کشف تام الهی است. اگر بخواهیم علم الهی را کشف کنیم، باید از طریق قرآن کشف کنیم. چون قرآن کریم، عصاره علم الهی است. اگر کسی به آن متوسل شود، می‌تواند به نقطه نهایی برسد. ما باید از این راه کشف کنیم که انسان را با چه هدفی در نظر بگیریم و مقصد ما از تربیت چه چیزی باشد. این جاست که به الگوی هدف‌گذاری تربیتی که در برنامه درسی ملی کار شده است، می‌رسیم. در راهنمای برنامه فعلی عناصر آن به صورت پراکنده آمده و در قالب الگویی نیامده‌اند.

مهم‌ترین هدفی که ما دنبال می‌کنیم،



محوری ترین، مهم ترین و متعالی ترین هدف برای تربیت انسان این است که انسان به عقلانیت برسد و عقل او شکوفا شود. قیمة الانسان بالعقل: ارزش انسان به عقل اوست. ریشه و گوهر وجود انسان عقل اوست. اگر عقل فردی پرورش پیدا کند، باادب هم می شود. ریشه دین عقل است. تا کسی عاقل نباشد، دین دار نمی شود. در نظام تربیتی اسلام، عقل ریشه است و ایمان فکورانه، نتیجه تعقل و شکوفایی عقل درونی است که با عقل فطری همسوست.

در غرب در زمینه عقلانیت مطرح می شود که نظام ما نظامی عقلانی است، در حالی که عقلانیت آن ها ابزاری است. عقلی که در قرآن از آن سخن گفته شده است، همان عقلی است که انسان را از سطح زندگی مادی فراتر می برد. عقل فطری، ایمان و بر اساس آن علم، عمل و اخلاق است. رویکرد فطرت گرایی توحیدی در نحوه پاسخ گویی ما تأثیر می گذارد و فضای متفاوتی با فضای رایج ایجاد می کند.

در تربیت با نگاه فطرت گرایی توحیدی، تحمیل و اجبار هیچ جایگاهی ندارد. حتی در جایی که بحث تنبیه به معنی تنبیه مطرح شده است، برای این سن نیست؛ برای دوره بعدی است در این جا دو عنصر اصلی وجود دارد: «عنصر محبت» و «عنصر تکریم».

ما باید قطعاً به مربیان بگوییم که اگر بچه ها را دوست ندارید و اگر آن ها را از صمیم جان نپذیرفتید، لطفاً کار تربیت آن ها را برعهده نگیرید. چون اگر تربیت مبتنی بر محبت نباشد، اصلاً تربیت نیست. مربیان فعلی ما چه قدر بچه ها را دوست دارند؟ اگر مربی با شوق و نشاط سر کار برود و بچه ها را دوست داشته باشد، موفق می شود. نه این که محبت صرفاً عاطفی باشد، محبت باید عقلانی هم باشد.

از جنس محبتی که مادر، پدر و طیب نسبت به فرزند و بیمار خود دارد، محبتی که پیامبر اکرم (ص) نسبت به امت داشتند و آن محبتی که ولی الهی نسبت به یک مخاطب

دارد. محبت و تکریم خیلی اهمیت دارد. عنصر دیگری که در نگاه فطرت گرایی توحیدی نقش اساسی دارد، این است که مربی این مسیر را با چه انگیزه های طی می کند. انما الاعمال بالنیات. اگر مربی نیت معنوی، تربیتی و الهی داشته باشد، در کار خود موفق می شود.

رویکرد فطرت گرایی توحیدی در حقیقت بیان دیگری از تربیت دینی است؛ ولی تربیت دینی به معنای خاص دین. دین فقط به نماز، حجاب و خمس محدود نیست و ابعاد اجتماعی، اخلاقی و عرفانی دینی هم مطرح هستند. نگاه فطرت گرایی توحیدی، در پاسخ به سه سؤال اساسی (از کجا، به کجا و در کجا) نگاه ما را رقم می زند، نگرش ما را اصلاح می کند و به ما بینش می دهد. نگرش و بینش در تربیت، مسئله های اساسی و غیر از دانش و مدرکی است که از دانشگاه می گیریم. جهان بینی ما، این نگاه را تحت عنوان رویکرد «فطرت گرایی توحیدی» رقم می زند.

اولین تأثیر فطرت گرایی توحیدی روی بحث درباره مرتب نمود پیدا می کند و مرتب را از سطح یک شیء با یک نگاه تحقیر آمیز، بسیار بالاتر می بیند و به خلیفه الهی و امانت الهی بودن می رساند. این ها اماناتی هستند که به ما سپرده شده اند. این رویکرد، روی مقصد هم تأثیر می گذارد؛ مرتب باید انسان خداگونه شود. شکوفایی فطرت که به اجمال مطرح شد، مسیر را تحت الشعاع خود قرار می دهد. براساس این نگاه، همه چیز در دوره پیش از دبستان به تعامل بین مرتب و مربی بازمی گردد. موادی که شما تولید، سازماندهی و برنامه ریزی می کنید و فضای کلاسی که ایجاد می شود. همه این ها ابزاری در دست مربی هستند*.

* فرازهایی از سخنان حجت الاسلام دکتر علی ذوعلم در مراسم افتتاحیه دوره آموزشی کارشناس مسئولان پیش دبستانی استان ها، تیرماه ۸۹، مرکز تربیت معلم نسیه.

این است که فطرت وجودی این مرتب شکوفا شود. شکوفایی فطرت، در درون خود نکته عمیقی دارد؛ این نکته که من به عنوان مربی، نمی خواهم چیزی را به مرتب اضافه و تحمیل کنم، بلکه می خواهم همان چیزی را که در درون خود دارد، شکوفا کنم. البته نه این که من شکوفا کنم، من فقط زمینه سازی می کنم که آن شکوفا شود، پس در این هدف شکوفایی فطرت مطرح است.

در رویکرد فطرت گرایی توحیدی به این نکته می رسیم که خالق متعال، انسان را خلق کرده است که تکامل پیدا کند. البته تکامل او تدریجی است. به هیچ وجه از یک کودک پنج ساله نمی توان همان انتظاری را داشت که از نوجوان بالغ داریم. اگر بحث قرآن و نماز هم به معنای خاص تربیت دینی است، آن هم باید به گونه ای بیان شود که کودک یا نوجوان با آن پیوند درونی پیدا کند.

در بحث هدف گذاری، رویکرد فطرت گرایی توحیدی، الگوی هدف گذاری را به ما ارائه می دهد. الگوی هدف گذاری از منابع دینی کشف شده است. در منابع دینی،